ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
زندگی سلام
پنج شنبه ۲۳ خرداد ۱۳۹۸ شماره ۱۳۴۳

حدیث روز

امام باقر(ع): کسی که واعظی درونی نداشته باشد، موعظه‌های مردم سودی به او نمی‌رساند.

الأمالی

ذکر روز پنج شنبه

صد مرتبه «لا اله الا... الملک الحق المبین»

ذکر روز جمعه

صد مرتبه «اللهم صل علی محمد و آل محمد»

در محضر بزرگان

سجده گناهان را می‌ریزد

مرحوم آیت ا... مجتهدی تهرانی می‌فرمودند:
سجده گناهان را می‌ریزد. روایت است که انسان به سجده برود و مدتی در سجده باشد، «شکراً لله و الهی العفو» بگوید، مخصوصا در نماز شب، ده دقیقه، یک ربعی در سجده باشد، حس می کند وقتی که به سجده می‌رود، سبک می‌شود. آن حالت سبکی بر اثر ریخته شدن گناهان است. همان‌طور که باد در فصل پاییز برگ درختان را می‌ریزد، سجده هم گناهان را می‌ریزد.

جام نیوز

شعر طنز

آب و بنزین

امیرحسین خوش حال

بیا این چای رو شیرین بنوشیم
اگه با اون نشد با این بنوشیم
شده هم نرخ بنزین؛ بطری آب
بیا تا بعد از این بنزین بنوشیم!

قرار مدار

اندکی صبر

گون‌های عبوس

صالح بوعذار

دردمی بارم
بر کویر خاموش تنم
تمام گَوَن‌های عبوس،
میراث من اند!

فتوشعر انتظار

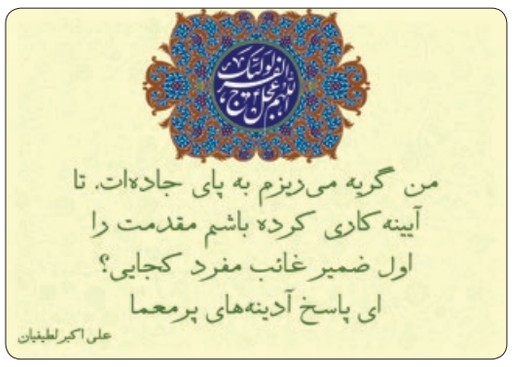

با خانمان

ستون درخواستی

زهرا فرنیا | طنزپرداز

به سامانه روزنامه پیام دادن که خانم فرنیا برای چی همه‌ش درباره خواستگار می‌نویسه و باعث میشه ما فکر کنیم دختر ایرانی فقط همین یک دغدغه رو داره؟ اول این که فکر نکنید دختر ایرانی همین یه دغدغه رو داره. دختر ایرانی کوهی از دغدغه‌ست. دغدغه=دختر. دریای دغدغه دختر ایرانی، ساحل ندارد. سلطان دغدغه، دختر. بیام بنویسم برنامه زندگیم بعد از دانشگاه اینه که برم کلاس گل چینی و منجوق دوزی که خانما بهشون بربخوره این چه چهره‌ایه از زن تحصیل کرده نشون میدین؟ پس چرا دانشگاه رفتی؟ برای این که خواستگار بهتری برام پیدا بشه، بگن دخترمون لیسانسه‌ست. پسر ای زیر لیسانس (لااقل) خواستگاری دختر ما نیان. مرسی. اه! یا بگم رفتم کلاس رانندگی ثبت نام کردم، جلسه دوم ماشینو زدم تو جدول که آقایون بیشتر از اینی که الان انجام میدن، رانندگی ما خانما رو جوک کنن؟ یا بنویسم هر روز مشکل اینو دارم که اول گوشت رو بریزم بعد پیاز رو یا اول پیاز رو؟ بنویسم اولویت این که اول باید گردگیری کرد و بعد جارو کشید، چقدر برام مهمه؟ اصلا دختر بودن توی این شرایط کلیشه نیست؟ نگاه کنید. پنجاه درصد جامعه الان دخترن. خداییش می‌خندین اگه این جوری بنویسم؟ دغدغه‌های من براتون جوکه؟ یا بنویسم نصف تصمیمات زندگیم به این بستگی داره که «اوا! درو همسایه چی می گن؟» بنویسم که موقع خواستگاری باید از طرف بپرسم: «شما با کار کردن من مشکل ندارین؟» و اونم در قبال این که مشکل داره ولی کوتاه میاد، از من امتیاز می گیره؟ بگم قراره «هروقت رفتم خونه شوهر هر غلطی دلم خواست بکنم» و شوهرم هم قراره بگه «این جا خونه بابات نیست هر غلطی دلت خواست بکنی؟» خداییش به اینا می خندین؟ بذارین درباره همون شوهر کردن بنویسم. هروقت رفتم خونه شوهر اجازه میدم شما بهم بگین درباره چی بنویسم. الان دست خودمه، معلوم نیست اون موقع دست کی باشه!

سه نقطه

پرونده‌های مجهول

پنج‌شنبه‌ها

تماس تلفنی ارواح از شماره صفر!

فاطمه قاسمی | مترجم

آیا مردگان به وسیله‌های ارتباطی برای برقراری تماس با نزدیکان‌شان دسترسی دارند؟ همیشه افرادی ادعا کرده‌اند که به‌تازگی چنین تماس‌هایی داشته‌اند و در برخی موارد فرد پشت خط هشدارهایی درباره یک اتفاق در آینده به آن‌ها داده است. این ادعاها وقتی عجیب‌تر می‌شود که بیشتر آن‌ها می گویند تماس دریافتی‌شان از یک شماره «صفر» بوده است، شماره‌ای که بین مدعیان این تجربه به «شماره تلفن ارواح» معروف شده است. این گروه مدعی شده‌اند که قابلیت این عدد فقط برقراری تماس تلفنی نبوده، بلکه گاهی ارواح با این شماره پیامک یا پیام صوتی هم فرستاده‌اند! صدای پشت خط خیلی ضعیف و دور به گوش می‌رسد و پیام‌ها کوتاه است. در بعضی موارد گفته شده که شخصی دیگر همچون اپراتورها، تماس را برقرار کرده‌اند. افرادی که این تجربه را داشته‌اند، حتی تصاویری را از صفحه نمایش تلفن همراه خود منتشر کرده‌اند.

یکی از اولین گزارش‌ها از تماس تلفنی مردگان مربوط به یک آهنگ ساز اهل نیوجرسی به نام «کارل اوفوف» است که تماسی از طرف مادربزرگش که دو روز قبل از آن فوت کرده بود، دریافت می کند. البته در آن زمان هیچ کس ادعای او را باور نکرد. یکی از این افراد که تجربه چنین تماسی برای برادرش رخ داده، در این باره گفته است: «یک سال پیش درست دو هفته بعد از فوت بهترین دوست برادرم «جرمی»، با من تماسی گرفته شد و خودش را جرمی معرفی کرد. به‌طور ناباورانه صدایش دقیقا شبیه به صدای خود جرمی بود که سراغ برادرم

«مت» را از من می گرفت. لحظه عجیبی بود و من خیلی ترسیده بودم، زبانم از ترس بند آمده بود و قادر به پاسخگویی نبودم. به سختی گفتم نیست و تماس قطع شد. به صفحه نمایش تلفن نگاه کردم و شماره صفر را دیدم. بعد از آن هیچ تماسی از جرمی گرفته نشد و من هنوز از یادآوری آن ماجرا مضطربم. زمانی که در اینترنت، درباره این شماره جست‌وجو کردم، متوجه شدم که این شماره مربوط به ارواح است!»
بعضی از افرادی که تجربه چنین تماس‌هایی از مردگان داشتند، ادعا می کنند این تماس‌ها آینده خوبی را برای آن‌ها به‌وجود آورده‌است و در بعضی موارد آن‌ها را از برخی خطرات احتمالی آگاه کردند. البته ناگفته نماند که نرم‌افزارهای زیادی با قابلیت تغییر صدا در دسترس است. اما این امکانات باعث نشده افرادی که چنین تماس‌هایی را دریافت کرده‌اند، به شک بیفتند و آن‌ها همچنان معتقدند که صدای شنیده شده پشت خط، صدای رایانه‌ای نبوده و صدای نزدیکان تازه فوت شده آن‌ها بوده است.

منبع: angelsghosts

دنیا به روایت تصویر

گتی ایمیج | مسابقات دوچرخه سواری، ایتالیا

فرانس پرس | ساخت یک نهنگ ۶۸ متری با زباله‌های پلاستیکی داخل اقیانوس برای هشدار به حفاظت از محیط زیست، چین

تاپخند

- جنگ داخلی فقط جنگ تو ماشین سر این که کابل aux به گوشی کی وصل بشه!
- از آخرین قهرمانی پرسپولیس خیلی گذشته، دارم کم کم نگران میشم!
- این که میگن ریاضی علم شیرینیه کاملا درسته، خود من همیشه قبل و بعد امتحان ریاضی فقط با آب‌قند سرپا میشم!
- این زندگی که پوشال‌های کولر دارن شاه و ملکه‌ها ندارن، سه چهار ماه کار می کنن، بعدش استراحت مطلق و بخور و بخواب!
- دقیقا همون لحظه که فکر می کنی شرایط از این بدتر نمیشه، یه نفر وارد اتاقت میشه که موقع رفتن در رو نمی‌بنده!
- صبح از خواب بیدار میشه جواب سلام پدر و مادرش رو نمیده، اون وقت میره تو گروه‌های تلگرامی یک صفحه شعر کپی می کنه زیرش هم میزنه «صبح بخیر»!
- خمیر دندون رو دیدین وقتی فکر می کنی تموم شده، فشارش بدی تا دو ماه بعد هم جوابت رو میده این بزرگوار... کاش کارت‌های بانک هم شعور خمیر دندون‌ها رو داشتن!

دور دنیا

باز کردن در هواپیما به جای در توالت!

سی ان ان- مسافری که قرار بود از انگلستان به پاکستان برود، در خروجی اضطراری هواپیما را به جای در توالت باز کرد و باعث تاخیر هفت ساعته پرواز شد! شرکت هواپیمایی پاکستان با توضیح جزئیات این حادثه خبر داد که اشتباه مسافر پرواز در باز کردن در خروج اضطراری به جای در توالت، باعث شد که سرسره خروج اضطراری به صورت خودکار فعال شود. مسئولان پرواز بلافاصله چهل مسافر را از هواپیما خارج کردند. خوشبختانه این اتفاق پیش از انجام پرواز روی داد.

جهانگردی با صندلی چرخ دار

دویچه وله- «کیم لوملیوس» وبلاگ‌نویس سفر، زن جوانی است که نشستن بر صندلی چرخ‌دار باعث توقف او برای ادامه زندگی بهتر نشده است. او ثابت کرده است با این شرایط هم می‌تواند به سفرهای ماجراجویانه و خطرناک برود. کیم بیست سال است که به نوعی عارضه عضلانی مبتلا شده است و با همسر و دخترش به سفر می‌رود. «لوتزی» نام صندلی چرخ‌دار اوست که امکاناتش شرایط سفر را برای او راحت‌تر کرده است.

تفأل

باز آی ساقیا که هواخواه خدمتم
مشتاق بندگی و دعاگوی دولتم
زان جا که فیض جام سعادت فروغ توست
بیرون شدی نمای ز ظلمات حیرتم

کله چغوکی

آق کمال و عیال به خرید ناشناس می روند

آق کمال | همه کاره و هیچ کاره

مو از بچگی یَگ اخلاق با خصوصی داشتُم که هنوزم که هنوزه با ای سند و سالُم، درمشان. یکیش ای که بعضی چیزا ره با بعضی چیزا اشتباه می گیرُم. مثلا از همو زمان دست چپ و راستمه قاطی مکردُم. تا وقتی مدرسه مرفتُم یکی مگفت مثلا دست چپته ببر بالا، اول تو هوا بری خودم منوشتُم با با آب دادتا یادُم بیه راست کدویکیه و اویکی دگه چپه! بعدتر مثلا وقتی مگفتن بپیچ دست راست، به ساعت دستُم نگاه مکردُم و می‌پیچیدُم او طرف دستی که ساعت ندشتُم! بعدا همی کلک ره با حلقه ازدواجم مزدُم و امان از وقتی که اینا دستم نبودن! یا چیز دگه که اشتباه می گیرفتُم گرمک و طالبی و ملون و مگسی و تیل و سمسوری بود. خب ای چی کاریه که بالای یَگ میوه ده تا اسم مذارن؟ یا مثلا تمساح و کروکودیل و سوسمار؟ همه‌شان کلپسه بزرگن، یا فوقش بزمجه کلون! حالا اینا که خوبه، یَگ مشکل دگه موایه که به جز گل رز و نرگس، اسم بقیه‌شانه با هم قاطی مکنُم، مخصوصا میخک و داوودی ره. یا اسم سبزیا ره نمشناسُم، مخصوصا گشنیز و جعفری ره. یَگ بار که پسر خانه بودُم به مادرُم گفتُم هوس خورشت کرفس ربی کردُم، گفت تو فلیزر ندرِم. گفتُم مرم تازه مخرُم. وقتی برگشتُم هم تا بسته ره دادُم دست مادرُم همو ره کوبید تو کله‌ام که: «حالا فرق کرفس و اسفناج ره نِمدنی، به عقلت هم نِمرسه که ای برگا کجاش شکل او چیزاییه که تو خورش کرفس مُلمبونی؟»!
همی جور ادامه داشت تا ازدواج کردُم و مشکل دو برابر شد! اویم وقتی که مخواستُم گوشت بخرُم (شاید باورتان نشه، اوایل ازدواجمان همو جور که میوه و سبزی مخریدُم، مِتنستُم گوشت هم به همو راحتی بخرِم!) یعنی با عیال اسم هیچ مدل گوشت ره یاد ندشتِم! مرفتُم قصابی یارو مپرسید چی بذارُم یا چقدر قلوه‌گاه بدُم یا راسته باشه یا سردست یا دنده، یا حتی گاو و گوسفندش هم نِمتنستُم تشخیص بدُم! همدگه ره نگاه مکردم و مگفتِم دو کیلو گوشت چرخ کرده خوب یا خورشتی خوشمزه یا کبابی خوش‌پخت بده! بس که آقاهامان ما ره بدعادت بار آورده بودن و خودشان مِرفتن خرید و ما یاد نگرفته بودم.
خلاصه‌اش ای که شما بچه‌هاتانه ای جوری بار نیارن. حالا ممکنه دگه وسع‌مان به گوشت خریدن نرسه، ولی اقلا فرق بین کِدو با بادمجون و پنیر و قروت ره بهشان یاد بدن، به دردشان مخوره!

مسابقه این کیه؟

هر بار این مسابقه رو شرکت بکن، برو!

سلام. این هفته با یک چهره موسیقی باهاتون هستیم. هنرمندی که گروهی کار میکنه و این قدر بهمون پیام دادین چرا ازشون چیزی نمی‌نویسیم تا بالاخره اومد توی مسابقه! دست به کار بشین و تشخیص بدین این کاریکاتور به هم ریخته کیه و اسمش رو با نام خودتون و کلمه «این کیه» تا شنبه شب برای ما به شماره ۲۰۰۰۹۹۹ پیامک کنید. به امید خدا جواب رو هفته بعد همین جا خواهید دید و کاریکاتور برنده رو هم به‌عنوان جایزه چاپ می کنیم. عکس و کاریکاتوری رو هم که می‌بینید فریبا خانم ابریشمی اصل، برنده مسابقه قبل هستن که دوباره بهشون تبریک می گیم.

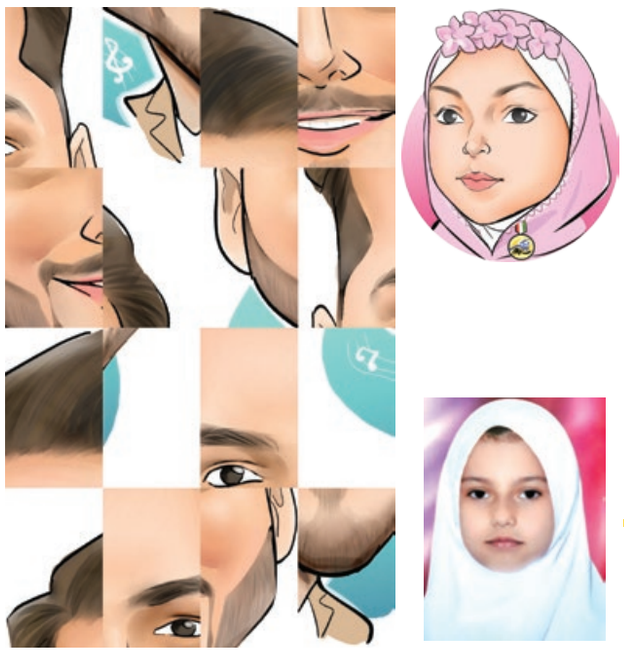

مارپیچ (سختی ۶۰٪)

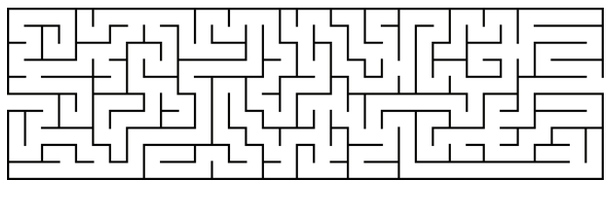

ما و شما

* در باب زایمان‌های کانادا:
بازیگر و نغمه‌خوان رَود کانادا
هم پیرزن و «جوان» رَود کانادا
خواهند مگر تخم طلا بگذارند
در موعد زایمان رَود کانادا؟! **حسین شادمهر**
* آق کمال؛ در میان المان‌های شهری جای تندیس جناب‌عالی واقعا خالی است!
آق کمال: هروقت فلکه چغوکی ره افتتاح کردن، خودم مرم وسطش به عنوان تندیس وایمستم!
* شوخی تا جایی شوخیه که نگی شوخی کردم. **مسعود مجنونپور**
* همسر عزیزم سمیه مروی تولدت مبارک.
همسرت رحمان
* ستایش جان، هم تولدت و هم رسیدنت به سن تکلیف رو تبریک می گم. ان شاءا... زیر سایه پدر و مادر خوبت و کنار خواهر جونت سلامت و موفق باشی.
* برای چندمین بار تقاضا می کنیم جدول را در جای دیگر به جز زندگی سلام چاپ کنید!

آگهی فراخوان مناقصه های عمومی شماره ۹۸/۳۰۲/۰۱ و ۹۸/۳۰۲/۰۲
خرید انواع کابل آلومینیوم خودنگهدار مورد نیاز پروژه های عوارض برق
(نوبت دوم)
شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان رضوی

KEDC شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان رضوی

این شرکت درنظر دارد نسبت به خرید انواع کابل آلومینیوم خودنگهدار مورد نیاز پروژه های عوارض برق از محل اعتبارات طرح تملک دارائی های سرمایه ای (عمرانی) با مبلغ برآوردی ۴۷/۶۴۰ میلیون ریال ، از طریق مناقصه عمومی و سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) خریداری نماید. لذا از تمامی تامین کنندگان واجد صلاحیت دعوت می شود جهت کسب اطلاعات تکمیلی به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایند .

دفتر روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان رضوی

۵/۹۸۰۳۳۸۶۳